

رسالت علما و انقلاب اسلامی ایران در تقریب بین مذاهب اسلامی^۱

محمد لطیف محبی^۲

چکیده

موضوع این مقاله رسالت علماء و انقلاب اسلامی ایران در تقریب بین مذاهب اسلامی است. امروزه کشورهای اسلامی با داشتن انواع از سرمایه‌های مادی، معنوی و انسانی قابل توجه؛ با انواع از چالش‌ها و مسائلی مواجه اند. در این میان بزرگترین مشکل اختلاف مذهبی است. راهکار علمی و عملی برای حل این مسئله؛ استراتژی تقریب میان مذاهب اسلامی است. این مقاله باهدف تبیین ماهیت تقریب، کارکرد، عوامل، موانع و ارائه راهکار آن تدوین گردیده است. مدیریت این فرایند به دست علماء فریقین و رهبران سیاسی و مجریان انقلاب اسلامی است. روش مقاله کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. برخی از یافته‌های این نوشته عبارت است از: (۱) تقریب مذاهب به معنای اتحاد مذاهب نیست. (۲) هدف از تقریب شناخت نقاط مشترک و همکاری حول محور آن می‌باشد. (۳) مهمترین مانع در راه همگرایی کشورهای اسلامی اختلاف فرقه‌ای و مذهبی است که با دسیه‌ای دشمنان اسلام و دیگر عوامل صورت گرفته است. (۴) نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که موارد اختلاف و تفاوت بین مذاهب محدود بوده که آنهم در اثر اجتهاد عالمان دینی و دیگر عوامل شکل گرفته است.

کلید واژه‌ها: تقریب؛ مذهب، وحدت؛ مسلمانان.

۱. تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۰

۲. دکتری قرآن و علوم گرایش علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، Mlmohebi1@gmail.com

۱- مقدمه

در جوامع دین مدار، علماء و نخبگان دینی دارای منزلت رفیع و جایگاه ویژه‌ای می‌باشند. دلیل منزلت مذکور، توانایی‌ها و تخصص ایشان در حوزه اندیشه دینی و اجرای آن در اجتماع است. در این میان انقلاب اسلامی ایران به رهبری خردمندان و عالمانه مجتهد جامع الشرایط حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در این راستا مهندسی تازه و نقشه جامع و راهبردی نوینی را در این زمینه ارائه داد که قبل از آن فقط در حد گفتمان بوده است. ادامه این سیاست و شیوه توسط رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی حضرت ایت الله خامنه‌ای (زیدعزه) ادامه داشته است.

در ارتباط با پیشینه این پژوهش تا کنون تلاش‌های نظری و عملی در خور ستایش صورت گرفته است. این تلاش‌های اندیشه وران در ابعاد مختلف و از زوایای متفاوتی بوده است. اما بنا به دلایلی کار آمدی لازم را نداشته اند؛ زیرا گاه تعریف مطلوب ارائه نشده است و زمانی منافع برخی افراد و گروه‌های تندرو که در هر جامعه و صنفی وجود دارند؛ مانع بررسی جامع این مسئله سرنوشت ساز و اثرگذار بوده است.

به خصوص عصبیت‌های فرقه‌ای، تحجر، خرافه گرایی و دخالت‌های نفاق افکنانه‌ای مخالفان دین اسلام و جز آن سبب شده است تا این مسئله به طور درست مورد بررسی قرار نگیرد و در مرحله اجرا با انواع از موانع رو برو شود. اکنون پرسش اصلی این است نخبگان دینی و انقلاب اسلامی اسلامی تا چه حد می‌توانند در تقریب مذاهب اسلامی اثر گذار باشند؟

جواب اجمالی و فرضیه این است که عالمان دینی و انقلاب اسلامی نقش برجسته‌ای در ارائه راهکار وحدت و اجرای برنامه‌های وحدت آفرین داشته باشند. اهمیت علماء خیر و مسئولان انقلاب اسلامی ایران با رهبری مجتهد فرهیخته به این دلیل است که اینان دارای جایگاه و ریشه در مبانی اعتقادات دینی و مذهبی مردم اند. از این رو عالمان دینی وارثان فکری و معنوی و اجرایی پیامبران معرفی شده اند: **إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ** (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲). علماء و نخبگان دینی امانتداران انبیاء در حوزه معرفتی و مرجعیت علمی و اجتماعی و فرهنگی اند به خصوص در حوزه اجتماعی و اتحاد و اختلاف امتها و جوامع دینی؛ به این جهت می‌فرماید: **«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: الْفُقَهَاءُ أُمَنَاءُ الرَّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا**



فِي الدُّنْيَا، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا دُخُولُهُمْ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ: اتَّبَعَ السُّلْطَانُ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ، فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ». (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۶). در این مقاله در بخش اول به اهداف تقرب، پیشینه، جایگاه و اهمیت وحدت و تقرب در قرآن و نهج البلاغه و سیره معصومان و بزرگان و مانند آن پرداخته می‌شود و در بخش دوم علل و منبع اختلاف و راهکارهای عملی تبیین می‌شود و در نهایت به جمع بندی و فهرست منابع اشاره می‌شود.

۲- کلیات

۲-۱- تبیین ماهیت تقرب

عنصر هدف از عناصر اولیه‌ای است که قبل از دیگر عناصر ارائه ولی در مقام عمل آخرین چیزی است که قابل دست یابی است. از این رو شناخت هدف تقرب در شناخت ماهیت آن اثرگذار است. تعریف از مفاهیم نیز گاه تعریف به هدف است؛ بدین ترتیب منظور از تقرب اولاً؛ شناخت مخاطبان از مذهب همدیگر با تمام ابعاد و توانی‌ها و حدود و ثغور آن است. و ثانیاً؛ شناخت نقاط مشترک و اختلافی از دو یا چند مذهب و ثالثاً؛ تعامل و ارتباط دو یا چند سویه با همدیگر حول محور مشترکات با قبول اختلافات است، و رابعاً؛ اجرای این فرایند با راهنمایی‌های عالمان و نخبگان فرهنگی و سیاسی. بنابراین تقرب عبارت است از شناخت نقاط مشترک و اختلافی سپس تعامل روی محور اشتراکی و دوری از اختلاف، به رهبری عالمان و رهبران ساسی و فرهنگی. بدین ترتیب هدف از تقرب مذاهب، نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی در کنار یک دیگر است که از طریق شناخت نقطه‌های اشتراک و اختلاف و در ادامه تعامل روی نقاط اشتراک و به رهبری عالمان دینی صورت می‌گیرد. در هر فرایندی اولین عنصر، عنصر نظری است یعنی قبل از اقدام به هر فعالیتی داشتن شناخت از آن ضرورت دارد. از این رو شناختگرایی یک مسئله عقلانی در مواجهه با هر پدیده‌ای است به گونه‌ای که قبل از اقدام ایجابی یا سلبی افراد به حکم خرد انسانی و دستور گزاره‌های دینی مأمور به آشنایی و داشتن شناخت از آن است. قرآن کریم تعدد ادیان و نژادها و قوم و قبایل را در آیات متعددی به رسمیت شناخته است اما هر دین و گرایشی را درست نمی‌داند. تفاوت‌های افراد در زمینه‌های مختلفی مشاهده



می‌شود. لذا شرع مقدس می‌فرماید حکمت تفاوت در خلق انسان از نظر ظواهر و ملت و نحله، شناخت از همدیگر می‌باشد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ ای مردم، ما شما را از نری و ماده‌ای بیافریدیم. و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و کاردان است (حجرات: ۱۳).

شناخت دارای آثار متعددی است که کمترین اثر وضعی آن، آگاهی از حقیقت، الفت، وحدت و جلوگیری از اقدامات سلبی و حذف‌گرایانه نسبت به دیگر مذاهب و ادیان است. از دیدگاه قرآن همه مسلمانان امت واحده محمدی و قرآنی و ید واحده‌ای اند که دارای هویت مشترک و مقوم‌ها و مولفه‌های آن است از قبیل: کیش مشترک، تاریخ مشترک، احساس مشترک، فرهنگ مشترک، سرنوشت مشترک و کتاب و قبله مشترک اند و در این مولفه‌ها و عناصر همه فرق معروف اسلامی شریک اند.

بنابراین تقریب مذاهب به معنای اتحاد مذاهب در قالب یک مذهب و نفی دیگر مذاهب نیست؛ از این روی یکی از رجال پیشگام در عرصه وحدت امت اسلامی چنین می‌گوید:

شاید بعضی گمان کنند که بنده می‌خواهم عقاید راسخه شعب مختلفه اسلام را متحد کنم، پر واضح است که این امری است صعب المنال و در اعلی درجه اشکال. تبدیل معتقدات ثابته مشکل‌تر از نزع روح است... مقصود نه این است که شیعه سنی گردد یا سنی راه تشیع را گیرد (اردوش، ۱۳۸۴، ص ۶۱۸).

بنابراین با رویکرد تقریبی می‌توان شناخت بهتری از همدیگر داشت و به تعامل پویایی دست یافت و در نتیجه قضاوت‌های منصفانه و عالمانه‌ای نیز از همدیگر خواهند داشت که به مرور از گفتارها و اقدامات سلبی و حذف‌گرایانه نیز نسبت به همدیگر جلوگیری می‌شود.

چنانچه همین وضعیت و رویه را دنیای مسیحیت تجربه نموده است به گونه‌ای که سال‌های زیادی انرژی‌های خود را برای طرد دیگری و حذف آن به کار بردند ولی با عقلانیت و خردگرایی رویه منفی را تبدیل به همگرایی نمودند و امروزه مسیحیت با بیشترین فرقه‌ها و انشعابات و



پراکندگی جغرافیایی، در سایه عقلانیت رهبران دینی و سیاسی خویش به نوعی همسویی دست یافته اند و کمترین توهین و تکفیر و تفسیق را نسبت به هم روا نمی دارند. در این زمینه نقش عالمان دینی و رهبران و نظام‌های سیاسی آنان بر جسته بوده است.

۲-۲- طرح استراتژی وحدت در سطح کلان و سیاسی

برخی دیگر از افراد و شخصیت‌های اثرگذار و تقریبی تلاش‌های با رویکرد ساسی - علمی وارد این عرصه شدند؛ که گاه حکومت‌ها بوده و زمانی برخی از شخصیت‌ها. در ذیل به برخی از نمونه‌های از هردو نوع اشاره می‌شود:

(۱) *نادر افشار* (سلطنت از: ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ ق)؛ یکی از طراحان تقریب و وحدت اسلامی نادرشاه افشار است. وی طرح وحدت خود را اولین بار در زمره شروط برای پذیرش سلطنت در اجلاسیه دشت مغان در سال ۱۱۴۸ ق مطرح کرد. نادرشاه طرح وحدت خود را طی نامه‌ای با پنج شرط جنبه‌ی فرمانطقه‌ای و بین‌المللی داده و به شکل تقریب بین مذاهب تدوین و برای سلطان عثمانی محمود اول (سلطنت از ۱۱۴۳ - ۱۱۶۸ ق) فرستاد و توضیح می‌دهد که هدف، بنای مصالحه و رفع اختلاف صوری از میانه امت محمد ﷺ است.

در بند اول چنین می‌نگارد: چون شما از عقاید سابقه نکول و طریق تقلید امام به حق ناطق جعفر صادق علیه السلام که از ایمه حق است؛ اختیار و قبول کرده اید، قضات و علماء و افندیان کرام روم اِذعان به صحت آن کرده، آن را خامس مذاهب شمارند (اردوش، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱).

به قول یکی از مورخان، نادر می‌خواست کشور افغانستان و ایران هر دو دارای یک اداره و یک دولت مرکزی باشند ... همچنین نادر که مثل اکثریت مردم افغانستان مذهب حنفی داشت و می‌خواست این مذهب در هردو کشور افغانستان و ایران، مذهب واحد و رسمی باشد؛ زیرا او اختلاف بین افغانستان و ایران را مایه خصومت بین طرفین می‌پنداشت؛ جرگه مغان (۱۷۳۶ میلادی) این شرط نادر را نیز پذیرفت (غبار، ۱۳۶۶، ص ۳۵۰).

(۲) *طرح سید جمال الدین* (متولد ۱۲۵۴ ق و ۱۸۳۸ م)؛ سید جمال الدین معروف به نابغه شرق، از دیگر پیشگامان تقریب بین مذاهب اسلامی بوده است. وی از سرسلسله‌ی بیدارگران مسلمان در قرن سیزده و چهارده هجری است. از آنجا که سید جمال به جامعیت دین اسلام فکر می‌کرد و دین را در عرصه اجتماع نیز پاسخ‌گو می‌دانست؛ لذا تلاش‌های نظری و عملی وافری در این

زمینه انجام داد. مسافرت‌های سید در دیدگاه وی اثرگذار بوده است. ایشان برای تشکیل امت واحده قرآنی و محمدی، وحدت و خرافه زدایی را سرلوحه کار خود قرار داده بود؛ از این رو کارش احساسی، مقطعی و صرفاً نظری نبود.

مرحوم مطهری می‌گوید: سید چاره دردهایی را که تشخیص داده بود در امور ذیل می‌دانست:

(۱) بازگشت به اسلام نخستین و دور ریختن خرافات و پیرایه‌ها و ساز و برگ‌هایی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است. بازگشت مسلمانان به اسلام نخستین از نظر سید به معنی بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است (مطهری، نهضت‌های اسلامی، ص ۲۳).

(۲) اتحاد اسلام؛ ظاهراً ندای اتحاد اسلام را در برابر غرب اولین بار سید جمال بلند کرده، منظور از اتحاد اسلام، اتحاد مذهبی که امر غیر عملی است، نبود؛ منظور اتحاد جبهه‌ای و سیاسی بود یعنی تشکیل صف واحد در مقابل دشمن غارتگر (همان، ص ۲۹).

(۳) شیخ الرییس (متولد ۱۲۶۴ق)؛ از دیگر طراحان و حامیان تقریب مذاهب اسلامی، شیخ الرییس است که وی ادیب و عالم فرهیخته‌ای شیعی و مولف رساله اتحاد اسلام است تلاش‌های وی بعد از طرح نادرشاه در نوع خود کم نظیر است. او از طُرُق متعدد برای تقریب و نزدیک کردن دو فرقه بزرگ از مسلمانان استفاده نمود (اردوش، ۱۳۸۴، ص ۵۸۵ و ۶۰۹).

(۴) تلاش‌های جمعی و گروهی؛ در برخی از شرایط علمای فریقین تلاش‌های مشترکی برای تقریب و حمایت از ثغور مسلمین داشته‌اند. مثل فتاوای علماء شیعه و مراجع نجف در حمایت از خلافت عثمانی در برابر تجاوز غرب (همان، بخش پیوست، ص ۶۳۲).

(۵) امام خمینی ره و انقلاب اسلامی ایران؛ پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری فقیه وارسته و زمان شناس، نقطه عطفی در حوزه تقریب مذاهب اسلامی بوده است. امام خمینی ره با معرفی مذهب شیعه و تشیع به جهانیان، جامعیت دین اسلام را در صحنه عمل پیاده کرد. امام خمینی بادرک آسیب‌های امت اسلامی و شناخت سیاست‌های استعمارگران در ایجاد نفاق



و شقاق میان مسلمین، راهکار عملی برای مبارزه با این سیاست استعماری و ایجاد هم‌گرایی میان مسلمین را، استراتژی تقریب می‌داند.

امام خمینی ره بارها به اهمیت وحدت و تقریب گوشزد نموده و فواید و کاردهای تقریب را تبیین نموده است. امام در یکی از بیانات خویش می‌گوید:

یک نیرنگ بزرگی که از غرب سرازیر شده و دول اسلامی را تحت نفوذ قرار داده یا این که تطمیع کرده یا تهدید کرده است... آن چیزی مهمی که دول اسلامی را بیچاره کرده و از ظل قرآن کریم دور می‌کند آن قضیه نژاد پرستی است. و نیز می‌گوید: تمام مسلمین باهم برادر و برابرند و هیچیک از آن‌ها از دیگری جدانیستند و همه آن‌ها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند... این‌هایی که بین مسلمین تفرقه می‌اندازند لشکرهای شیطان و کمک‌کنندگان به قدرتهای بزرگ و مخالفین قرآن کریم هستند (گلی زواره، ص ۱۶).

جمهوری اسلامی برای مهندسی تقریب مذاهب اسلامی و ایجاد راهکارهای عملی، سال روز تولد نبی رحمت حضرت محمد بن عبدالله را هفته وحدت میان مذاهب اسلامی اعلام کرده است. در این راستا تلاش‌های علمی و مفیدی صورت گرفته است. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز بارها به اهمیت وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی تاکید و به ارائه شیوه‌های آن نیز پرداخته است.

ایشان همیشه مسلمانان را به همزیست مسالمت آمیز فراخوانده است و به همین مناسبت سال ۱۳۸۶ شمسی را سال وحدت ملی و همبستگی امت اسلامی اعلام نمود و همچنین در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۲۳ فرمودند: تحریک عواطف مذهبی و فراهم کردن زمینه اختلافات گناه است و کسانی که این کار را می‌کنند همکار آمریکا و صهیونیسم هستند (نقل به مضمون). وی در مناسب دیگری می‌گوید: ملت‌های مسلمان به نیروی خود ایمان آورند و قدرت خود را باور کنند و بدانید که فراموش کردن از شخصیت و منش انسانی و اسلامی خود بزرگترین بلای ملت‌های مسلمان است (گلی زواره، شناخت کشورهای اسلامی، ص ۷۳).

بنابراین یکی از رویکردهای تقریبی رویکرد سیاسی - نظری بوده است که در آن اشخاص،

نهادهای و حکومت‌ها نقش داشته‌اند که در این میان نقش انقلاب اسلامی ایران به دلایلی نقش بی‌بدیلی بوده و دارای آثار و برکات در این زمینه بوده است؛ زیرا هم عالمان دینی نقش داشته و هم عالمان سیاسی و رهبری فرهیخته آن؛ یعنی هم اشخاص و هم حکومت جمهوری اسلامی بارهبری فقیه زمان شناس نقش اثر گذار در این زمینه داشته‌اند.

۳-۲- پیشینه

از آنجا که دین و مذهب یک امر فطری می‌باشد؛ و جنبه احساسی آن بر دیگر ابعاد آن می‌چربد؛ از زمانی که حافظه تاریخ یاری می‌دهد نوع بشر در پی دین و دینداری بوده است گرچه در کم و کیف آن دیدگاه‌ها مختلف است ولی اصل دین‌گرایی و تنوع دین از مسلمانات است. به دلیل عوامل اثر گذار انسانی و غیر انسانی تعدد ادیان نیز طبعی است. چنانچه به عنوان مثال در مسیحیت با این که یک دین داشته‌اند اما دعوا و تعدد گرایش‌ها و نزاع‌های آن مشهور است. همچنین در اسلام که تعدد مذاهب کلامی، فلسفی، ادبی، نحوی، تفسیری، عرفانی، و جز آن از واقعیات قطعی به حساب می‌آید. اصل همبستگی و تقریب مذاهب و اقوام و مانند آن در قرآن کریم و روایات اسلامی و سیره معصومان (علیهم‌السلام) آمده است.

اختلافات مذهبی در طول تاریخ اسلام پیامدهای سلبی و ضررهای جبران ناپذیری نیز در ابعاد مختلف زندگی مسلمانان داشته است. اما علماء و نخبگان فرهنگی و سیاسی نیز به تلاش‌های خویش ادامه داده‌اند که این فرهیختگان و عالمان برخی سنی و برخی شیعه بوده‌اند و به علاوه بعضی از سیاستمداران نیز نقش مفیدی داشته است. این گونه از شخصیت‌ها در گفتار و آثار مکتوب و مواقف سیاسی خویش برای وحدت فریقین تلاش‌های عالمانه‌ای را انجام داده‌اند و در بسترسازی برای همگرایی مذاهب اسلامی زحمات‌های را متقبل شده‌اند. در ذیل به برخی از این افراد اشاره می‌شود.

(۱) شیخ الطائفة معروف به شیخ طوسی دانشمند معروف در کتاب وزین خلاف خود آراء فریقین را بدون تعصب و به طور عالمانه، برای روش استنباط فقهی خود گردآوری کرده است (www.orvh.com). وی در تفسیر تبیان خویش نیز از همه دانشمندان مطرح از اهل سنت نقل قول کرده و در قضاوت خود بسیار برخورد علمی و تحقیقی داشته است و هیچگاه قلم



خویش را به تهمت و نسبت‌های ناروا نیالوده است.

(۲) طبرسی: از دیگر عالمان فرهیخته و اهل تقرب، مرحوم علامه طبرسی در کتاب گرانسنگ مجمع البیان می‌باشد. به دلیل رویکرد تقریبی مجمع البیان بود که مرحوم شیخ شلتوت این کتاب را به عنوان بهترین تفسیر به دارالتقرب پیشنهاد کرد که در نتیجه همین تفسیر با پاورقی‌های علمای الازهر چاپ و به عنوان تفسیر قرآن تمام مذاهب معرفی شد.

شیخ شلتوت در مقدمه مجمع البیان می‌نویسد: از امتیازات این تفسیر آزادی فکر، تقرب مذاهب که در مدار حق و در مسیر حقیقت و با اخلاص کاملی حرکت می‌کند، می‌باشد». این مفسر چه بسا در مرحله بررسی تطبیقی و مقارن، مذهب و نظر دیگران را بر مذهب و بینش خود مقدم داشته و با نهایت رعایت درجه امانت و دقت در نقل نظریات و آراء دیگران کارکرده است، در حالی که به دور از دشنام و ناسزاگویی نسبت به سایرین می‌باشد.

ابوالفضل طبرسی در این تفسیر نظریات غیر خودش را طوری پرورش داده است که گویا می‌خواهد همان نظر را قبول نماید و این کار برخلاف بعضی از برادران اهل سنت می‌باشد که در وقت مواجهه با نظریات شیعه آنان را با رفض، رمی شان کرده و رافضه شان می‌خوانند و یا چنان که برخی از برادران شیعه در حین نقل آراء اهل سنت آن‌ها را ناصبی می‌نامند و لیکن طبرسی همیشه آیه ذیل را معیار عمل و قضاوت خویش قرار داده اسنت: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (نحل: ۱۲۵). (همان).

(۳) آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت (ره): آیت الله بروجردی از مراجع روشن ضمیر و آگاه به شرایط و زمان بود که با آسیب شناسی‌های علمی خود، مشکل اختلاف فرقه‌ای و مذهبی را به خوبی شناخته بود و برای درمان آن، استراتژی تقرب را تعقیب می‌کرد. چنانچه تلاش‌های علامه شلتوت رییس الازهر در مصر نیز بسیار راهگشا بوده است. این دو عالم دینی و زمان شناس و دشمن شناس با درک شرایط زمانه‌ای خود، در پی چاره و راهکار علمی و عملی برآمدند و در این راستا تلاش‌های مفیدی را انجام دادند که این مسیر توسط شیخ محمد تقی قمی ادامه یافت و تکمیل گردید و آن تاسیس دارالتقرب اسلامی بود. البته در تاسیس و تقویت آن و همچنین در ایجاد

همگرایی و توسعه این شیوه تقریبی، شخصیت‌های دیگری نیز سهیم بودند.

شخصیت‌های مانند: آیت الله محمد حسین آل کاشف الغطاء، سیدشرف الدین لبنانی، مفتی اهل سنت عبد المجید سلیم، شیخ حسن البناء موسس و رهبر اخوان المسلمین و مانند آن از فریقین نقش مهم داشتند و شعار تقریب آیه مبارکه ۵۲ از سوره مومنون بوده است: ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ (اردوش، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸). نتیجه تلاش‌های دارالتقریب منجر به صدور فتوای شیخ شلتوت گردید که: پیروی از مذهب شیعه چه در عبادت و چه در معاملات عینا مانند پیروی از مذاهب چهارگانه تسنن برای مسلمین مجاز و مشروع است (حکیمی، ۱۳۶۲، ص ۲۲ و ۵۰).

(۴) شیخ محمد عبده: از دیگر پیش‌گامان عرصه تقریب و وحدت امت اسلامی، مرحوم شیخ محمد عبده است. وی از همکاران سید جمال الدین بوده است و اغلب تلاش‌های عبده در عرصه اندیشه دینی و بعد نظری تقریب بوده است. ایشان در این مسیر بر خلاف دیگر همکارش یعنی رشید رضاء؛ برای تقریب مذاهب تلاش‌های وافری انجام داد. از این رو وی نهج البلاغه را همراه با خطبه شقشقیه، شرح، چاپ و در سراسر ممالک اسلامی عرب منتشر ساخت و همچنانکه از ستایش بلیغ و بی مانند حضرت علی (علیه السلام) نیز خودداری ننمود (مطهری، نهضت‌های اسلامی، ص ۴۲).

(۵) علامه حلی (متوفای ۷۲۶ق): یکی از پیشگامان تقریب و وحدت اسلامی، شخصیت خبیر و دانشمند، علامه حلی است. ایشان با بحث و مناظرات عالمانه خود با علمای اهل سنت، حقانیت مذهب تشیع را اثبات نمود و در این راستا سلطان محمد خدابنده را نیز تحت تاثیر قرار داد که در نتیجه سلطان مذهب تشیع را انتخاب کرد و مذهب شیعه رسمیت یافت. علامه اهانت به دیگر مذاهب اسلامی را جایز نمی‌دانست و حتی سلطان محمد خدابنده را بعد از انتخاب مذهب تشیع سفارش به دوست داشتن همه اصحاب پیامبر خدا فرامی‌خواند و در همین راستا و هدف، کتاب *منهاج الکرامه و کشف الحق* خود را نوشت. شگفت این که شیعه پس از آمدن مغول پرچم عدم تعصب را بر افراشتند و ادامه این رویه و حالت در علامه حلی به اوج خود رسید.

یکی از دلایل بروز این همه آسان‌گیری از این متکلم شیعه آن است که تعصب ورزی گذشتگان



فقط به پیچیده تر شدن مشکلات انجامیده و باعث شده بود نیک بختی و صلح تبدیل به تیره بختی و جنگ تبدیل گردد (الشیبانی؛ به نقل از اردوش، ۱۳۸۴، ص ۷۲). در این زمینه عالمان دیگری نیز بوده اند که با قلم و بیان و رفتارهای خود برای تقریب مذاهب اسلامی زحمت کشیده اند که تنها به برخی از مهمترین آنان اشاره گردید. این بخش مربوط به رویکردی بود که اغلب فرهنگی و علمی - سیاسی بوده است.

در ذیل به برخی دیگر از افراد که اغلب با رویکرد سیاسی - علمی وارد عرصه تقریب شده اند نیز اشاره اجمالی می شود که در رویکرد دومی بیشتر به بعد سیاسی توجه شده است گرچه آن مستلزم نگاه فرهنگی و علمی نیز می باشد چنانچه در رویکرد قبلی برعکس بوده است.

۳- وحدت و تقریب از منظر قرآن کریم

قرآن کریم برنامه کامل و جامعی است که دعوت آن فرا زمانی، فرامنطقه ای و برای همه انسان هاست. یکی از محورهای جهانی دعوت رسول خدا ﷺ و یکی از پایه های شکل گیری جامعه توحیدی، دعوت به اتحاد و هم گرایی مسلمین است. و لذا در قرآن کریم یکی از محورهای جهانی دعوت پیامبر اکرم ﷺ و یکی از پایه های اساسی اولیه دین اسلام رفع اختلاف، دعوت به اخوت، برادری و برابری عمومی اعلام شده است (دکتر شریعتی، اسلام شناسی، ش ۳۰، ص ۲۲): ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء: ۹۲).

و این برابری را تا حد برادری که یکی از عمیق ترین روابط عاطفی و تاثیرگذار می باشد، بالا می برد و به برادری ایمانی و اعتقادی ارتقاء می بخشد: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (حجرات: ۱۰).

در آیه ۲۱۳ بقره نیز به اهمیت تقریب و وحدت توجه دارده و به تبیین رسالت انبیاء و علماء می پردازد: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (بقره: ۲۱۳).

در آیه مبارکه می فرماید اصل بر اتحاد است؛ چنانچه در ابتدا مردم متحد بودند تا این که به

مرور اختلافاتی شکل گرفت از این رو خداوند انبیاء را به هدف بشارت و انذار (روش‌های پس‌آیندی) فرستاد و همراه آنان سند و برنامه مدون زندگی را نیز فرستاد تا اختلافات را بر چینند و یک جامعه توحیدی و محمدی به وجود آورند که در نتیجه افراد و جامعه‌ی حق جو از نفاق و عناد رهایی یافته ولی جامعه و افراد بی‌ایمان هم چنان در زنجیر جهل و نفاق و اختلاف باقی بمانند.

در آیاتی مانند موارد فوق که زیاد هم هستند با زبان تشویق و ترغیب به وحدت و تقریب می‌پردازد به گونه‌ای که کارکردها و فواید تقریب و اتحاد را بیان می‌کند. ولی در بخشی دیگر از آیات زبان دستوری دارد یعنی دستور به هم‌گرایی و وحدت دارد مثل آیه ۱۰۳ آل عمران: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۳).

در آیه مبارکه اولاً؛ تقریب و اتحاد به عنوان یک نعمت به حساب آمده است؛ زیرا اهمیت و ارزش اتحاد بعد از تجربه نفاق و شقاق بیشتر آشکار می‌شود و نتیجه تقریب و هم‌گرایی برادری و برابری است. و ثانیاً؛ آیه مبارکه امر و فرمان به وحدت داده است و در مقابل از اختلاف و نفاق نهی کرده است.

چنانچه در آیه ۱۰۵ آل عمران می‌فرماید در پی نفاق و اختلاف نروید؛ زیرا جامعه پراکنده و متفرق، مشمول عذاب الهی می‌شوند. و نمونه بارز از کارخیز که در آیه ۱۰۴ آل عمران آمده، دعوت به اتحاد و تقریب و هم‌گرایی مذهبی است. چنانچه نفاق و لعن و نفرین هم دیگر، کامل‌ترین مصداق منکر است؛ زیرا با لعن و نفرین‌های غیر شرعی حرمت اموال و نوامیس و حیثیت مومنان لگد مال می‌شود و چه بسا منجر به قتل و خون‌ریزی نیز خواهد شد؛ به این دلیل است که حتی فتنه و نفاق بدتر از قتل معرفی شده است: ﴿وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ﴾ (بقره: ۱۹۱). قرآن کریم در آیه دیگر بسیار روشن و صریح می‌فرماید: بپرهیزید از فتنه‌هایی که اگر در جامعه ترویج پیداکنند، دامنه‌ای آن شامل عام و خاص و شیعه و سنی و مانند آن می‌شود: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (انفال: ۲۵). یکی از



بارزترین موارد فتنه، نفاق و اختلاف مذهبی و دینی است.

آیه مبارکه تبیین می‌کند که اثر و بازتاب نفاق تنها ویژه ظالمین نیست بلکه پیامد اختلاف شامل همه افراد آن جامعه بوده و به عبارتی فرامنطقه ای است. در آیه ۴۶ انفال می‌فرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَزَعَوْا فِتْنَتَهُمْ وَلَا تَذْهَبُوا بِحُكْمِهِمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ از فرمان خدا و پیامبرش اطاعت کنید، نزاع و کشمکش نکنید؛ چراکه باعث سستی و ضعف گردیده و عزت و اقتدار از بین می‌رود. امروزه پیام همین آیه را در اجتماع مسلمانان می‌بینیم که چگونه گروه‌های فرقه‌ای مذهبی تحت عناوین دینی امنیت و حیثیت کشورهای اسلامی را به سخره گرفته‌اند. و کشورهای اسلامی جایگاه تاخت و تاز دشمنان اسلام شده است.

جالب است که در آیه ۲۰۷ بقره ضمن دعوت به اجتماع و اتحاد، نفاق گرای و لعن و نفرین را به عنوان برنامه‌ها و گام‌های شیطان به حساب آورده است. در آیه چهارده از سوره حشر می‌فرماید: ﴿تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (حشر: ۱۴).

از کسانی که با داشتن اصول مشترک ارزشی به دنبال اختلاف‌اند به عنوان افراد با عنوان افراد بی عقل یاد شده است پس علامت خرد ورزی یک امت در اتحاد آنان متجلی است (آملی، انتظارات بشر از دین، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶).

بنابراین تقریب و وحدت باید در سطح برون و درون باشد؛ صرف در کنار هم بودن نیز کافی نیست؛ و یا صرف خواسته فردی نیز مفید نیست؛ چرا که باید آن تبدیل به یک خواسته درونی و ارادی و همچنین تبدیل به خواسته جمعی شود. وضعیت امروزه ای مسلمین مصداق این آیه کریمه است که می‌فرماید: ﴿مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا كُلُّ جِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ (روم: ۳۲). آز آنها که دین خود را بخش بخش کردند و فرقه‌ها شدند [و تعجب اینجاست که] که هر فرقه‌ای بدآنچه نزد خود دارند دل خوشند. قرآن کریم نه تنها از ماهیت نفاق و اختلاف بر حذر می‌دارد بلکه حتی از پدیده‌های که سبب شکل‌گیری آن می‌شود نیز نهی کرده است یعنی رویه قرآن رویه پیش‌گیری نیز هست؛ قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾. چیزهایی را که آنان به جای الله می‌خوانند، دشنام مدهید که آنان نیز بی‌هیچ

دانشی، از روی کینه‌توزی به الله دشنام دهند. این چنین عمل هر قومی را در چشمشان آراسته‌ایم. پس بازگشت همگان به پروردگارشان است و او همه را از کارهایی که کرده‌اند آگاه می‌سازد (انعام: ۱۰۸).

امروزه یکی از علل اختلافات مذهبی توهین و ناسزاگویی برخی افراد سبک مغز و ظاهرگرا از فریقین نسبت به رهبران و مقدسات دیگری است که سرخ آن به کشورهای استعمارگر می‌رسد. بدین ترتیب قرآن راهکار عملی ارائه داده است و آن این که به مقدسات دیگری فحش ندهید تا به مقدسات شما فحش ندهند. چنانچه در آیات یازده و دوازده حجرات از مسخره کردن، غیبت، تجسس و به اسم بد صدا کردن و اشاره منفی باچشم و دست و مانند آن نهی کرده است.

نه تنها در بین مسلمانان بلکه شیوه رفتاری کرامت محور و وحدت گرا نسبت به دیگر ادیان نیز نشانه عقلانیت معرفی شده است یعنی اصل هم‌زیستی مسالمت آمیز و هم‌گرایی به عنوان یک اصل عقلایی در روابط با همه ادیان باشد. در این رابطه قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا هَلَالِ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۶۴).

قرآن کریم شیوه تبلیغ درست مذهبی را نیز نشان داده است: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْ لَهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (نحل: ۱۲۵). آیه مبارکه سه روش را براساس وضعیت مخاطب مشخص کرده است که به مقتضای حال از آن‌ها استفاده شود. براساس منطق قرآنی، هر مذهب حقی می‌تواند حقانیت مذهب خود را از راه استدلال و متناسب باحال مخاطب، تبیین کند به شرط این که به دیگر مذاهب توهین نکند. آیات مبارکه در زمینه تقرب و اتحاد بیش از این است که به جند نمونه اشاره گردید و آیات فوق از زوایای مختلف و به اهداف متفاوتی به این امر پرداخته است. در نتیجه از منظر قرآن کریم، اثر وضعی تقرب و هم‌سویی، عزت، اقتدار، آرامش و امنیت، و توسعه فرهنگی، سیاسی و جامعه سالم است؛ چنانچه اثر نفاق و پراکندگی نیز ذلت، کشتار، وابستگی به تمام معنا و تسلط بیگانگان و تاراج ثروت‌های معنوی و مادی خواهد بود.



۴- سیره رسول خدا ﷺ

رسول گرامی اسلام ﷺ اسوه حسنه و پیام آور رحمت بود: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب: ۲۱). رسول مهربانی ها، مایه رحمت برای عالمیان بود، وی محوری برمدار دین اسلام بوجود آورد تا همه افراد و فرقه ها دور آن جمع شوند. ایشان از جامعه متشتت و ضعیف عرب، ملت واحده و مقتدری ساخت و فرمود: وَ الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ. ؛ اجتماع و هم گرایی رحمت است و تفرقه رنج و عذاب است (جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر؛ آملی، ۱۳۸۴، انتظار بشر از دین). رسول خدا ﷺ می فرماید: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى (بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۰).

بنابراین پیامبر رحمت در گفتار و رفتار خود پیوسته به وحدت فرا می خواند و از نفاق و پراکندگی برحذر می داشت.

۵- سیره علی علیهِ السلام

علی علیهِ السلام نیز به خاطر حفظ مصالح اسلام و حفظ جان و مال و عرض مسلمین از توسل به خشونت و توهین و لعن و نفرین برای احقاق حق خویش در باب امامت خود داری نمود و فرمود: لَقَدْ عَلِمْتُ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَ اللَّهُ لَأُسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَى خَاصَّةِ التَّمَاسَا لِأَجْرِ ذَلِكَ وَ فَضْلِهِ وَ زُهْدًا فِيمَا تَنَافَسْتُمُوهُ مِنْ زُخْرَفِهِ وَ زِبْرَجِهِ (خطبه ۷۴). همانا می دانید که سزاوار تر از دیگران به خلافت من هستم. سوگند به خدا به آنچه انجام داده اید گردن می نهم تا هنگامیکه اوضاع مسلمین روبراه باشد و از هم نپاشد و جز من به دیگری ستم نشود و پاداش این گذشت و سکوت و فضیلت را از خدا انتظار دارم و از آن همه زر و زیوری که به دنبال آن حرکت می کنید پرهیز میکنم

امام در نامه ۷۸ نهج البلاغه میفرماید: وَلَيْسَ رَجُلٌ - فَاعْلَمْ - أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أُلْفَتِهَا مِنِّي، أَبْتَغِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ، وَ كَرَّمَ الْمَاءَ. بدان در امت اسلام هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد و به انس گرفتن آنان به همدیگر،

از من دلسوزتر باشد من در این کار پاداش نیک و سر انجام شایسته را از خدا می‌طلبم. از منظر امام علی علیه السلام تقریب مذهبی و وحدت مسلمین یک اصل راهنما و کلی است که بر دیگر اصول مقدم است و این اصل سنگ بنای رفتار و گفتار ایشان بوده است. امام در جای دیگر این چنین می‌فرماید: فَإِيَّاكُمْ وَ التَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى وَ لَا مِمَّنْ بَقِيَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ وَ طُوبَى لِمَنْ لَزِمَ بَيْتَهُ وَ أَكَلَ قُوَّتَهُ وَ اشْتَغَلَ بِطَاعَةِ رَبِّهِ وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ فَكَانَ مِنْ نَفْسِهِ فِي شُغْلٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. مبادا در دین دورویی ورزید که همبستگی و وحدت در راه حق - گرچه کراهت داشته باشید - از پراکندگی در راه باطل، گرچه مورد علاقه شما باشد بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان چیزی را با تفرقه عطا نفرموده است (خطبه ۱۷۶). حضرت در این فرمایش خود مانند فرمایشات قرآن کریم، علت ادعای خود را در ذیل می‌آورد و می‌فرماید گاه صبر و تحمل سلیقه مخالف و بالا بردن آستانه تحمل نیز آسان نیست ولی مهم این است که با اختلاف و تفرقه در بهای رزق و برکت و توسعه و پیشرفت بسته می‌گردد و برعکس کمال فردی و اجتماعی و اقتدار و عزت در گرو اتحاد و تقریب است.

علی علیه السلام در خطبه ۲۰۶ از سب و دشنام دشمن و مخالف به شدت منع نموده و فرمود: إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ وَ لَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِي الْعُذْرِ وَ قُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ اللَّهُمَّ احْفَظْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلَحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ أَهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقُّ مَنْ جَهْلُهُ وَ يَرْعُوِيَ عَنِ الْغَيِّ وَ الْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ» من خوش ندارم که شما دشنام دهنده ولی اگر کردارشان را توصیف و حالات آنان را بازگو می‌کردید، به سخن راست نزدیک تر و عذر پذیر تر بود. خوب بود به جای دشنام آنان می‌گفتید: خدایا خون ما و آن‌ها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن؛ تا آنان که جاهل اند حق را بشناسند و آنان که باحق می‌ستیزند، پشیمان شده به راه حق بازگردند.

حضرت رسالت یک مسلمان واقعی و یک عالم خبیر را در این بیان خود هدایت مخالفان با



شیوه عقلانی می‌داند. نه اینکه مثل برخی از عالم نمایان برای توهین و تحقیر و لعن و نفرین مخالف کتاب‌ها بنویسند و هزاران اجر و مزد دروغین نیز برای آن بیاورند و سلامت جسمی و روانی خود را مدیون فحش و ناسزاگویی به مقدسات دیگران بدانند. این نوع افراد و بیوت زیر مجموعه غالیان سنتی و اخباریان ساده لوح اند که آبروی دین و مذهب را به ثمن بخشی در بازار طماعان سیاسی و استعماری می‌فروشند.

این در حالی است که اینان تمام ناراحتی خود را از رویه معاویه در لعن و نفرین، ابراز می‌دارند ولی خود در این رویه جزو مقلدان ایشان شده اند. در جای دیگر می‌فرماید: **إِنَّ لِلْخُصُومَةِ قُحْمًا** از دشمنی بپرهیزید؛ چراکه دشمنی رنج‌ها و سختی‌های هلاک کننده دارد. در خطبه ۱۵۱ از افتادن در دام فتنه‌ها و دشمنی‌ها برحذر می‌دارد: **فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتَنِ وَ أَعْلَامَ الْبِدْعِ، وَ الزُّمُوا مَا عُقِدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ، وَ بُنِيتَ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَةِ، وَ اقْدُمُوا عَلَى اللَّهِ مَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْدُمُوا عَلَيْهِ ظَالِمِينَ، وَ اتَّقُوا مَدَارِجَ الشَّيْطَانِ وَ مَهَابِطَ الْعُدْوَانِ.** پس سعی کنید که شما پرچم فتنه‌ها و نشانه‌های بدعت‌ها نباشید و آن چه را پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه‌های طاعت برآن پایدار است برخورد لازم شمارید و از گرفتارشدن به دام‌های شیطان و قرارگرفتن در وادی دشمنی‌ها بپرهیزید.

امام علی علیه السلام در خطبه ۸۷ چه زیبا وضعیت و رویه عالمان انگلیسی و شیعیان لندنی و غالیان نادان را به تصویر می‌کشد: **وَ آخِرُ قَدْ تَسَمَّى عَالِمًا وَ لَيْسَ بِهِ فَاقْتِسَ جَهَائِلَ مِنْ جُهَالٍ وَ أَضَالِيلَ مِنْ ضَلَالٍ وَ نَصَبَ لِلنَّاسِ أَشْرَاكَ مِنْ حَبَائِلِ غُرُورٍ وَ قَوْلُ زُورٍ قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَى آرَائِهِ وَ عَطَفَ الْحَقَّ عَلَى أَهْوَائِهِ يُؤْمِنُ النَّاسُ مِنَ الْعِظَائِمِ وَ يَهْوُونَ كَبِيرَ الْجَرَائِمِ يَقُولُ أَقْفُ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَ فِيهَا وَقَعَ وَ يَقُولُ أَعْتَزَلُ الْبِدْعِ وَ بَيْنَهَا اضْطَجَعَ فَالصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَ الْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانَ لَا يَعْرِفُ بَابَ الْهُدَى فَيَتَّبِعُهُ وَ لَا بَابَ الْعَمَى فَيَصُدُّ عَنْهُ وَ ذَلِكَ مِيتَ الْأَحْيَاءِ»** و دیگری که او را دانشمند نامند اما از دانش بی بهره است، یک دسته از نادانی‌ها را از جمعی نادان فراگرفته و مطالب گمراه کننده را از گمراهان آموخته و به هم بافته و دام‌های از طناب غرور و گفته‌های دروغین بر سر راه مردم افکنده، قرآن را بر امیال و خواسته‌های خود تطبیق می‌دهد و حق را به هوس‌های خود تفسیر می‌کند... چهره ظاهر او چهره انسان و قلبش قلب حیوان درنده



است، راه هدایت را نمی شناسد که از آن سو برود و راه خطا و باطل را نمی داند که از آن بپرهیزد؛ پس مرده‌ای است در میان زندگان. در روایتی دیگری آمده است که دو تن از یاران امام به نام: حجر بن عدی و عمرو بن الحمق، اهل شام را شتم نموده و از آن‌ها اظهار براءت می کردند، علی علیه السلام آن‌ها را طلبید و از این رفتارشان منع نمود. عرض کردند مگر ما بر حق نیستیم؟! فرمود: بلی ما بر حقیق، عرض کردند: پس چرا ما را از شتم آن‌ها باز می داری؟ فرمود: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لِعَانِينَ شَتَّامِينَ تَشْتُمُونَ وَ تَتَبَرَّءُونَ وَ لَكِنْ لَوْ وَصَفْتُمْ مَسَاوِيَ أَعْمَالِهِمْ فَقُلْتُمْ مِنْ سِيرَتِهِمْ كَذَا وَ كَذَا وَ مِنْ عَمَلِهِمْ كَذَا وَ كَذَا كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِي الْعَذْرِ وَ [لَوْ] قُلْتُمْ مَكَانَ لَعْنَتِكُمْ إِيَّاهُمْ وَ بَرَاءَتِكُمْ مِنْهُمْ - اللَّهُمَّ احْقِنْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْهُمْ مِنْ جِهَلِهِ وَ يَرْعَوْى عَنِ الْغَىِّ وَ الْعُدْوَانِ مِنْ لَهْجٍ بِهِ كَانَ هَذَا أَحَبَّ إِلَيَّ وَ خَيْرًا لَكُمْ» فَقَالَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَقَبْلُ عِظَتِكَ وَ نَتَادَّبُ بِأَدَبِكَ. یا علی ما موعظه و فرمایش شما را قبول کردیم و به ادب شما و سلوک شما اقتدا می کنیم. علی علیه السلام با خلفاء راشد از در مسالمت و هم گرایی وارد شد امیرالمومنین با خطرهای داخلی و خارجی که اسلام را تحدید می کرد از قیام مسلحانه خود داری کرد؛ عده‌ای تازه مسلمان شده به ارتداد گرایش پیدا کردند و مدعیان نبوت و پیامبران دروغین مانند: مسیلمه، طلحه، و سجاح» و همچنین خطر احتمالی رومیان و مانند آن نیز مزید بر علت شد (پسشوائی، ۱۳۷۹، ص ۷۱).

امام در دوره بیست و پنج ساله مشغول فعالیت‌های فرهنگی، بیان احکام شرعی، پاسخ به شبهات، تفسیر قرآن و همکاری با خلفاء در مشورت‌های سیاسی و علمی ادامه میداد؛ چنانچه در جنگ با رومیان در زمان خلافت ابوبکر وقتی با امام مشورت کرد، امام تشویق کرد و بشارت پیروزی داد ولی در زمان خلیفه دوم وی را از دودلی و تردید خارج کرد و خلیفه را از ترک مدینه منع کرد و فرمود: خلیفه چون محور سنگ آسیاب جامعه را به وسیله مسلمانان به گردش در آور و این که موقعیت زمامدار همچون رشته مهره‌هاست که آن‌ها را گرد آورده و به هم پیوند می دهد؛ اگر رشته از هم بگسلد مهره‌ها پراکنده می شوند (همان، ص ۷۴ - ۷۶).



۶- سیره عمر بن عبدالعزیز

یکی از شخصیت‌های اثرگذار در تاریخ اسلام و در حوزه تقرب مذاهب اسلامی، شخصیت مشهور و معروف عمر بن عبد العزیز (خلافت از ۹۹ - ۱۰۱ق) در بین فرق اسلامی است. افسوس که به او فرصتی زمانی لازم داده نشد اما در همان فرصت کوتاه ولی مفید خیلی از موانع وحدت در بین امت محمدی و قرآنی را از میان برداشت و رویکرد اعتدالی و تقرب گونه را پیشه ساخت و در نهایت سرش را در همین راه فداکرد (اردوش، ۱۳۸۴، ص ۴۵ به بعد).

دیگر امامان معصوم علیهم السلام نیز سفارش به تقرب و هم‌گرایی داشته اند که با مراجعه به بحار و اصول کافی می‌بینیم روایات متعددی آمده است که تنها به یک روایت اکتفا می‌شود. عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبي عن ابی عبد الله قال: مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ. کسی که با اهل سنت در صف اول نماز اقامه کند، مانند کسی است که پشت رسول خدا نماز خوانده باشد (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۳، ح ۱۲).

بدین ترتیب سیره بزرگان دین و معصومان علیهم السلام بر تقرب مذاهب و وحدت مسلمین بوده است و از آنجا که اغلب به اتفاقات زمان خلافت خلفاء تمسک می‌شود و بهانه را نیز دفاع از حق خلافت علی علیه السلام می‌دانند؛ لذا این مقاله بیشتر به فرمایشات خود علی علیه السلام و سیره و رفتار وی استناد شد تا این بهانه نیز در دست مدعیان حمایت از ولایت قرار نگیرد و از علی علیه السلام الگو بگیرند نه این که از امام خویش پیشی گیرند و زمینه وهن مذهب را فراهم کنند.

۷- محورهای وحدت و تقرب مذاهب

۷-۱- دین

دین عبارت است از مجموعه عقاید و اخلاق و قوانین و مقررات اجرایی است که خداوند آن را برای هدایت بشر فرستاده است (آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۵). بنابراین محورهای وحدت در دین عبارت از:

أ) اصول دین

اصول و پایه‌های اساسی در اسلام که آن را ممتاز از دیگر ادیان نموده است، یکی اصل توحید

است که فریقین یعنی شیعه و سنی با اتفاق آن را قبول دارند؛ توحید یعنی نفی ثنویت و تثلیث. در اصل توحید اختلافی وجود ندارد گرچه در بعضی از مباحث فرعی آن تفاوت‌های مشاهده می‌شود و جالب است که گاه اختلاف میان فریقین کمتر از اختلافات میان یک مذهب و فرقه است که با مراجعه به متون واضح است. اصل دوم، اصل نبوت است که همه مذاهب حقه اسلامی آن را قبول دارند و پیامبران خدا را در دو دسته صاحبان کتاب و غیر صاحبان کتاب و یا اولوالعزم و غیر اولوالعزم تقسیم نموده‌اند. بدین ترتیب در اصل نبوت اختلاف نیست ولی در مباحث فرعی مربوط به آن اختلاف محدود میان دوفرقه و همچنین میان خود اصحاب یک فرقه نیز وجود دارد.

اصل سوم معاد است؛ یعنی روز قیامت و حساب و کتاب حق است و این را همه مسلمانان بلکه برخی از غیر مسلمانان نیز قبول دارند.

(ب) فروع دین

فروعات دین عبارت است از دستور العمل‌های تجویزی و فرمان‌های رفتاری و تقنینی الهی مانند: نماز، روزه، حج، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن، که تنها در خمس آنهم نه در اصل خمس بلکه در شرایط آن گفتگو وجود دارد. بنابراین در فروعات دینی فریقین اتفاق دارند و اختلاف در شرایط و اوصاف است که این اختلاف نیز ناشی از اجتهاد علماء است و این نوع اختلاف میان خود هر مذهب هم وجود دارد.

(ج) وحدت در قبله و کتاب

همه علماء سنی و شیعه در وحدت قبله و کتاب یعنی قرآن کریم وحدت نظر دارند. البته در تفسیر قرآن میان فریقین و میان هر مذهب نیز گرایش‌ها و تفاوت‌های ناشی از شیوه تفسیری و مبانی و اصول تفسیری وجود دارد که یک امر طبیعی است. البته برخی نسبت‌های ناروای تحریف قرآن را به شیعیان و برخی از اهل سنت داده‌اند که اهل نظر آن را خیلی خوب پاسخ داده‌اند. بنابراین ملاک و معیارهای اصلی اسلام و مسلمانی در هردو گروه وجود دارد؛ و در ذیل به برخی از نظرات دانشمندان فریقین استناد می‌گردد:



۱. سیدزیدی (۱۲۴۷-۱۳۳۷ق): صاحب *عروه الوثقی* در مبحث نجاسات می‌گوید: یکفی فی الحكم بالاسلام الکافر، إظهار الشهادتين و إن لم يعلم موافقه قلبه للسانه؛ لا مع العلم بالمخالفة» یعنی ملاک اسلام یک شخص، اظهار شهادت به وحدانیت خداوند و حقانیت نبی مکرم اسلام است؛ اگرچه موافقت زبانش با قلبش ثابت نگردد، مگر این‌که ما علم به عدم موافقت داشته باشیم (العروه الوثقی مبحث نجاسات؛ ربانی گلیایگانی، ۱۳۸۱، ص ۲۰).

۲. علامه مجلسی نیز در بیان معیار مسلمانی می‌گوید: الإسلام هو الإذعان الظاهر بالله؛ و برسوله و عدم انکار ما علم ضروره من دین الإسلام؛ فلا يشترط فيه ولايه الأئمه و لا الإقرار القلبی؛ فیدخل فيه المنافقون و جميع المسلمين ممن يظهر الشهادتين، عدی النواصب و الغلاة. معیار مسلمانی، اقرار به توحید و رسالت پیامبر خدا و عدم انکار ضروریات دین است و قبول ولایت ائمه، شرط مسلمانی نیست؛ لذا به منافق مسلمان هم مسلمان اطلاق می‌شود و هرکسی که شهادتین (توحید و نبوت) را قبول داشته باشد مسلمان است (بحار، ج ۶۸، ص ۲۴۴).

۳. ابوحنیفه پیشوایی مذهب حنفی (متوفای ۱۵۰ق) نیز می‌گوید: لا نکفر أحداً من أهل القبلة. کسی که ضروریات مثل نماز را قبول داشته باشد و اهل نماز و مانند آن باشد؛ از دیدگاه مسلمان بوده و تکفیر وی جایز نیست (شرح فقه اکبر، ص ۱۸۹). از منظر ابو حنیفه ایمان و اسلام، تصدیق و اقرار است و تصدیق همراه با قبول تمام ایمان است (سراج التواریخ، ج ۳، ص ۱۶۸).

۴. فخرالدین رازی می‌گوید: الکفر عبارة عن إنکار ما علم بضروره مجیئ الرسول به؛ فعلى هذا، لا یکفر أحداً من أهل القبلة. معیار اسلام از دیدگاه وی قبول ضروریات دین است که یکی از آن‌ها اهل قبله و نماز خواندن به طرف آن است (ربانی گلیایگانی، ۱۳۸۱، ص ۲۱). در روایتی آمده است: قال رسول الله ﷺ: أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَ حِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ (بحار، ج ۶۵، ص ۲۴۲).

۵. شیخ عبد المجید سلیم رئیس الأزهر و نایب رئیس دار التقرب می‌گوید: تمام فرق اسلامی تحت یک ملت اند و چون اختلاف فقهی میان آنان ناشی از اجتهاد است همگی معذور و مأجور اند (WWW.orvah.com).

۶. غالب ائمه بزرگ اهل سنت و علمای سلف اهل سنت از تکفیر اهل قبله امتناع ورزیده اند (شرف الدین، الفصول المهمه فی تألیف الأئمه). بنابراین بزرگانی مانند: ابوحنیفه، و محمد بن ادریس شافعی (متوفای ۲۰۴ق) و سفیان ثوری (متوفای ۱۶۱ق) و ابن ابی لیلی (متوفای ۱۴۸ق) تصریح کرده اند که ابراز رأی خاص در باورهای اعتقادی موجب تکفیر و حتی تفسیق مسلمانان نمی‌گردد (اردوش، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰).

ائمه مذاهب عامه و حتی ابن تیمیه (متوفای ۲۲۸ق) که معروف به نظرات افراطی علیه شیعه می‌باشد، حکم به تکفیر شیعه نداده است. ابوالحسن اشعری (متوفای ۳۲۴ق) هنگام مرگ چنین گفت: گواهی نمایم که من هیچیک از اهل قبله را به دلیل گناه تکفیر نمی‌کنم؛ زیرا که مشاهده نمودم ایشان همگی به معبودی واحد اشارت می‌نمایند و اسلام، همه‌ی ایشان را در بر می‌گیرد (همان، ص ۱۰۰ - ۱۰۱). در نتیجه با معیارهای مسلم و مورد قبول بزرگان دو فرقه اسلامی، دامن زدن به نفاق و لعن و تکفیر نوعی سفاهت و سبک مغزی خواهد بود که نتیجه آن فشل شدن مسلمانان است.

۲-۲- دفاع از حریم دین

محور دوم برای وحدت و تقریب، رسالت علماء دین برای حمایت از حریم دین در برابر ادیان دیگر است اعم از ادیان مانند یهودی و مسیحی و یا ادیان بشری و انواع مذاهب و دین‌های خود ساخته که امروزه به هزاران می‌رسد، برخی از گذشته‌ای دور وجود داشته و اغلب آنان در عصر اخیر بوجود آمده‌اند.

خداوند دین اسلام را سبب عزت و اقتدار مسلمانان و استقلال آنان قرار داده است: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (منافقون: ۸). از طرفی قرآن تسلط غیر مسلمان بر مسلمان را ممنوع اعلام کرده و نفی کرده است: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱). و به علاوه مسلمانان را در کارهای سرنوشت ساز و اثرگذار به مشاوره فراخوانده است: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (آل عمران: ۱۵۹). امروزه صدها مسئله مهم و مشکلات مزمن دامن گیر جهان اسلام است که می‌طلبد رهبران مذهبی و عالمان فرهیخته و حاکمان دلسوز سیاسی به فکر چاره باشند مانند وضعیت اسفناک فلسطین، یمن، لیبی، افغانستان، عراق و مانند آن.



۳-۷- عرصه فرهنگ و اقتصاد و جز آن

فرهنگ هر ملت همان نمادهای برخاسته از دین و مذهب آن باید باشد و دین اسلام در سبک زندگی و آداب و رسوم اجتماعی متبلور است. ولی امروزه در این زمینه مشکلات زیاد است. دین اسلام ولی فرهنگ و آداب غربی است. به علاوه منبع انرژی، اغلب در کشورهای اسلامی است ولی سود و عواید آن را کشورهای غیر اسلامی می‌برد.

از منظر سیاسی کشورهای اسلامی را به چند دسته تقسیم نموده اند و هریک را در جبهه‌ای تعریف کرده اند. به علاوه امروزه خرافه‌گرایی و عرفان‌های نوظهور برای جان اسلام شده است و هر روز ده‌ها جوان مسلمان را در دام دیانت‌های چذاب و دروغین خویش قرار می‌دهند. و شبهات متعددی دیگر در حوزه تفسیر قرآن که مورد قبول فریقین می‌باشد، مطرح است که می‌طلبد تا دانشمندان هر دو ملت به راهکاهایی اقدام کنند. بدین ترتیب محورهای همکاری بیش از این‌هاست که عالمان دینی در کنار رهبران مسلمان می‌توانند در این گونه مسائل باهم هم‌گرایی داشته باشند.

۸- علل پیرایش تفرقه بین امت اسلامی

اختلاف میان شیعه و سنی از گذشته‌ها شکل گرفته است و آسیب‌های جدی در روابط دو گروه اسلامی ایجاد کرده است ولی مهم آسیب‌شناسی و کشف عوامل نفاق و ارائه راهکار عملی برای حل آن است. البته علل و عوامل متعددی سیاسی، استعماری، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و مانند آن وجود داشته و بعضاً حالا نیز موجود اند. در ذیل به برخی از مهمترین عوامل، اشاره اجمالی می‌شود:

۸-۱- بنی امیه

در حالی که علی علیه السلام بنا به مصالح علیای اسلام و وحدت امت اسلامی با خلفاء راشدین بیعت کرد و جلو شقاق و نفاق را گرفت اما معاویه بر علیه خلیفه مسلمین بغی و تمرد کرد و با جعلیات احادیث به نفع خود، باب مطاعن و ملاعن را در اسلام باز کرد و آغازگر نفاق و شقاق بین امت اسلامی شد (اردوش، ۱۳۸۴، ص ۶۱۵-۶۱۶).

۸-۲- اغلب خلفاء عباسی

خلفاء عباسی با استفاده از شعارهای احساسی و حمایت از آل محمد صلی الله علیه و آله به قدرت رسیدند ولی وقتی به قدرت دست یافتند سبب شقاق و نفاق بین امت اسلامی گردیدند و حتی برخی مثل متوکل عباسی روی بنی امیه را نیز سفید کردند.

۸-۳- عثمانی و صفویه

گرچه اختلافات با انگیزه سیاسی و اقتصادی و جز آن از زمان حاکمان بنی امیه شروع و با سلسله عباسی بافرافز و نشیبی ادامه یافت و تشدید شد ولی در دوره حاکمیت عثمانی و صفویه، به ویژه در زمان شاه اسماعیل اول، این اختلافات به اوج خود رسید و نهادینه شد و جزء از برنامه‌ها قرار گرفت. منظور همه حکام عثمانی و صفویه نیست و همچنین زیر سوال بردن کارهای مفید آنان نیز نمی‌باشد. البته دلایلی متعددی در این وضعیت نقش داشته است که مقتضای آن شرایط خاص زمانی و مکانی بوده و باید با توجه به آن عوامل و شرایط بررسی شود.

نگارنده در صدد تحلیل آن نیست و رشته آن نیز تاریخ نبوده بلکه این مقاله به خروجی و نتیجه این درگیری‌ها توجه کرده است که نتیجه کشمکش‌ها؛ وهن مذاهب و ضعف بنیه دو کشور بوده است و باب سب و لعن و صدور فتاوای تکفیری گرایانه، شیوع بیشتری پیدا کرد. و در برخی شرایط این وضعیت سلبی تبدیل همسویی نیز می‌گردید که نقش حاکمیت و سیاستمداران در آن برجسته بوده است.

مورخ شهیر میرغلام محمد غبار می‌گوید: مؤسس دولت صفویه در سال ۱۵۰۲ میلادی، اسماعیل صفوی بود و ایشان مذهب امامیه را در ایران رسمی ساخت... به علاوه امر کرد که مخالفین این مذهب اعم از سنی و خوارج با ضرب «غازیان» و سپاه بر انداخته شود، این حکم شاه اسماعیل آتش نفاق‌های مذهبی را که قرن‌ها ریشه گرفته بود مشتعل تر ساخت و مردم بسیاری از پیروان طریقه تسنن و خوارج ایران مجبور به فرار گردیدند.

در جنگ‌هایی که از عهد سلطان سلیم عثمانی به بعد با ایران واقع شد ساست تعصبات مذهبی مورد استفاده قرار گرفت. بعدها دول استعماری اروپا در آسیای وسطا از این اختلافات مذهبی دول سنی مذهب و شیعه مذهب استفاده های بسیاری نمودند (غبار، ۱۳۶۶، ص ۲۸۷).



یکی دیگر از پژوهشگران می‌گوید: با حملات ترکان عثمانی به خاک ایران، تعصبات و نزاع‌های مذهبی شدت بیشتری پیدا کرد. برخی از علمای قشری فریقین با نوشتن کتاب‌ها و رساله‌های تحریک آمیز و تکفیر گروه مقابل، بر آتش اختلافات دامن می‌زدند که آثار زیانبار بسیاری به دنبال داشت؛ بسیاری از شیعیان ترکیه و نیز گروه‌های از شیعیان خراسانی که به صورت اقلیت در میان اهل سنت زندگی می‌کردند، به بهانه‌های گوناگون مورد اذیت و آزار و یا قتل و تاراج قرار می‌گرفتند (یزدانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۱۶).

باب سب و لعن چنان بازارش داغ شده بود که سبب سوء استفاده‌های در کوچه و بازار شده بود (سراج التواریخ، ج ۳، ص ۱۱۲). آن چنان که ذکر گردید همه حکام عثمانی و صفویه رفتارهای اختلاف انگیز نداشتند؛ از این رو حکام عثمانی در عین اختلافات موجود با صفویه، شبیه اموی‌ها؛ سرشت شیعه ستیز نداشتند؛ از این رو با مشاهد مشرفه و علمای نجف برخورد ایجابی داشتند.

۸-۴- سلفی گری در قالب وهابیت در اهل سنت

از دیر باز تاکنون جهان اسلام با رفتارهای ستیزه جویانه و نفاق افکنانه‌ای گروه افراطی به نام وهابیت گرفتار است. اینان دیدگاه‌های ظاهرگرایانه و تک ساحتی به دین داشته و ظواهر برخی از آیات قرآن کریم و روایات و سیره را مستمسک خود قرار داده اند. این فرقه تاکنون فتاوی خشک و نا مربوط به دین و بلکه سفارش شده از ناحیه صحنه گردانان سیاسی خود منتشر ساخته و شیعیان و بلکه برخی از اهل سنت را نیز مورد حملات خویش قرار داده اند.

متأسفانه امروزه این فرقه در دام سیاست مداران آل سعود افتاده و این گروه از سیاست مداران اند که جهت فتاوی اینان را تغییر می‌دهند و عمده حملات این گروه تند رو به سمت شیعیان بوده است. اینان حتی از رهبران مذهبی مانند امام ابو حنیفه و مالک و حنبل و شافعی نیز عبور می‌کنند و استنباط‌های جهت دار خود را بر دیدگاه‌های آنان ترجیه می‌دهند.

۸-۵- اخباریگرایی در شیعه

رویکرد برخی از شیعیان در برهه از تاریخ ظاهرگرایی و نص محوری بوده است؛ یعنی اینان ادعا

دارند که در فهم قرآن باید فقط از روایات امامان اهل بیت علیهم‌السلام استفاده نمود و عقل عاجز تر از آن است که در استنباط احکام و درک آیات نقش داشته باشد؛ از این رو غیر از قطعیات عقلی سایر درک‌های عقل حجت نیست. گرچه در میان اخباری‌ها عالمان بزرگ و نخبه‌ای بوده که برخی از صاحبان مجامع روایی نیز هستند ولی تعدادی از این‌ها و به خصوص پیروان ساده اندیش شان رویکرد افراطی پیدا کرده و مدام بر طبل اختلاف کوبیده اند و از زبان تند لعن و سب نسبت به برخی از بزرگان عامه استفاده کرده اند و بر خی دیدگاه‌های اینان نسبت به تحریف قرآن و یا فتاوی چالش بر انگیز و یا استفاده از بان لعن و سب، سبب کدورت میان فریقین گردیده اند. به قول یکی از پژوهشگران مستمسک فتاوی برخی از عالمان تندروی عامه، بعضی عبارت‌های موهن نسبت به خلفاء راشده در بعضی جزوات و حلیه المتقین مرحوم مجلسی ذکر شده است. (یزدانی، صحنه های خونین از تاریخ تشیع در افغانستان). جالب است که منبع فتاوی تاریخی تکفیر هزاره‌های شیعه افغانستان نیز برخی از منابع بوده بوده است.

۸-۶- علماء و دانشمندان درباری از فریقین

گاه برخی از حکومت‌ها و زمامداران در کشورهای اسلامی از ضعف تدین برخی از علماء سست عنصر سوء استفاده کرده و آنان را ابزار صدور فتاوی سلبی و حذف گرایانه قرار می‌دهند. کاری که قرن‌ها سبب خسران‌های جبران ناپذیری متوجه انسان‌های بی‌گناه از دو گروه بزرگ عامه و خاصه نموده است؛ در حالی که سرمنشأ این نوع فتاوا و لعن و سب، در جامعه اسلامی معاویه بوده است که بر علیه خلیفه زمان خود تمرّد نمود. وی در این دیدگاه از علماء درباری استفاده می‌نمود. با کمال تأسف در این اواخر برخی از مداحان به نام مداح اهل بیت نیز برای کاسبی و سوء استفاده از احساسات پرشور جوانان، وارد بازار تجارت دینی شده اند و هرچه که مخاطب پسند و جوان پسند باشند را در قالب اشعار احساسی و عاطفی قرارداده و روزگار خوبی برای خود دست و پا کرده اند.

برخی از این‌ها تا سرحد کفرگویی نیز پیش رفته اند ولی همه در برابر این‌ها سکوت کرده و برخی از بیوت مراجع نیز از این‌ها حمایت می‌کنند؛ چنانچه در قمه زنی و رفتارهای موهن مذهبی خود نیز مورد حمایت برخی دفاتر و عوام اند. اما رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها به



مناسبت‌هایی تذکر داده اند تا از اشعاری محتوا و موهن دین و مذهب خود داری کنند ولی کسی گوش نمی‌دهد و اینان به مرور علماء را از مساجد بیرون خواهند کرد؛ چنانچه در مواردی همین اتفاق افتاده است و حتی برخی از علماء نیز برای تبلیغ دنبال افراد خوش صدا می‌گردند؛ نه خوش فهم و دانشمند.

کافی است برای درک از ماهیت این گروه افراطی، به سخنان دانشمند گرامی آقای رحیم پور ازغدی در خطبه‌های پیش از نماز جمعه تهران در سال‌های قبل گوش دهیم. بدین ترتیب برخی از مداحان کم سواد و سبک مغز از زبان سب و لعن و نفرین به مقدسات دیگر مذاهب استفاده می‌کنند و حتی از فهم ابتدایی و ترجمه روایات نیز عاجز اند.

به هر صورت اگر فکری در این زمینه نشود این گروه انقلاب اسلامی ایران را از درون تهی می‌کنند. متأسفانه یکی از نشانه‌های تند روی در همین راستا؛ دهه سازی‌های افراطی است که هر سال یک دهه بر دهه‌ها افزوده می‌شود و مراجع و بزرگان دین باید فرهنگ سازی کنند. آثار این تند روی‌ها، خودش را در سیستان و بلوچستان؛ مناطق اهل سنت و در کشورهای همسایه نشان می‌دهد. چند سال قبل برخی از این‌ها زیارت عاشورا را با ترجمه درشت و با کمتر از نصف قیمت در هرات افغانستان می‌فروختند.

۸-۷- روایت جعلی و اسرائیلیات

مخالفان اسلام به خصوص یهود و حاکمان زورمند کشورهای اسلامی به هدف نفاق و شقاق بین دوگروه بزرگ از مسلمانان، ده‌ها حدیث را جعل کردند که با کمال ناباوری در متون روایی جاه دادند و امروزه این احادیث جعلی مستمسک عالمان دون مایه و سبک مغزی از فریفتن قرار گرفته است. که به عنوان نمونه به یک مورد بسنده می‌شود، یکی از احادیث جعلی حدیث هفتاد و سه فرقه است: متن حدیث در سنن ابی داود، ترمذی، ابن ماجه و مسند احمد بن حنبل آمده با تفاوتی اندک.

در سنن ابی داود دارد که: پیامبر خدا ﷺ فرمود: یهود ۷۱ فرقه و نصاری ۷۲ فرقه و امت من ۷۳ فرقه خواهد شد. در روایت دیگر می‌گوید: قبل از شما اهل کتاب ۷۲ ملت شدند و ملت اسلام ۷۳ فرقه می‌گردد که ۷۲ فرقه در آتش و یک فرقه در بهشت است؛ وهی الجماعه». حال

فرقه ناجیه کیست؟ هرکسی حدیث را به نفع خود تفسیر می‌کنند! برخی گفته اند: «وهی الجماعة» دیگری گفته است: «الاسلام و جماعتهم» و سومی می‌گوید: «ما أنا علیه و أصحابی». بدین ترتیب، مهم تطبیق حدیث و استفاده فرقه ای از آن است که امثال شهرستانی تلاش کرده تا فرقه هارا به ۷۳ برساند. در حالی که این حدیث از سند مشکل دارد. (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۱، ص ۱۳؛ www.orvah.com). به دلیل اشکال در سند حدیث مذکور، ابن حزم آن را صحیح نمی‌داند و عید الرحمن بدوی نیز صحیح ندانسته است. البته برخی نیز سکوت کرده مثل ابوالحسن اشعری و فخرالدین رازی (همان).

۸-۸- استعمار غرب و عمال آنان

یکی از مهمترین عامل نفاق میان اهل سنت و تشیع، استعمار غرب و عمال داخلی آنان بوده است. استعمار انگلیس امپراطوری عثمانی را تجزیه و به واحدهای کوچک و به ظاهر مستقل تقسیم نمود. و در حوزه فرهنگ و منابع درسی آنان و رسانه‌های دیداری و شنیداری آنان رخنه نموده و به اختلاف میان عامه و خاصه دامن زدند. آنان با مطالعه دین اسلام به ظرفیت‌های آن در نظام سازی و فعالیت‌های اجتماعی پی برده بودند؛ از این رو تلاش کردند تا دین را از درون تهی ساخته و مسلمانان را به سمت کشمکش‌های فرقه‌ای هدایت کنند و در این استراتژی خود نیز موفق هم بودن اند.

ایجاد داعش و طالبان و صدها گروه تند رو در همین راستا قابل تحلیل است. امروزه کمتر کشور اسلامی مشاهده می‌شود که گرفتار درگیری مرزی با دیگری نباشد؛ زیرا استعمار در جا به جایی اقوام و تقسیم مرزهای زیگزال گونه؛ تخم نفاق دایمی در این سرزمین‌ها کاشته است. داعش فرزندان خلف تند روی‌های فرقه‌های تند رو اغلب سنی و بعضا شیعه و باهدایت و رهبری استعمار غرب بوده است.

۸-۹- عدم تعامل و ارتباط رهبران د مذهبی دو گروه بزرگ از مسلمانان؛

از باب این که: «الانسان عدو لماجهله» است؛ برخی از اختلافات به دلیل همین عدم ارتباط و تعامل سازنده شکل گرفته است.



۸-۱۰- عدم تشکیل نهاد نظارت کننده بر مراکز تبلیغی و منابع چاپی دو گروه

خیلی از این اختلافات را رهبران و بزرگان فریقین قبول ندارند ولی از آنجا که مراکز تبلیغی و فرهنگی و چاپی برای خود مستقل عمل می کنند و با علماء ارتباط ندارند و بلکه در صدد فروش و جذب مخاطب و کاسبی خویش اند؛ لذا این گونه مسائل نفاق افکن منتشر شده است.

۸-۱۱- رسانه های دیداری و شنیداری و فضای مجازی

امروزه اغلب اختلافات از طریق رسانه ها پخش می شود. مدیریت اغلب مراکز رسانه های نفاق افکن نیز تحت مدیریت استعمار انگلیس و آمریکا و برخی سران مرتجع کشورهای اسلامی و بعضی رهبران تند رو از فریقین است.

بنابراین آنچه از عوامل اختلاف و شقاق میان امت اسلامی ذکر شد برخی از مهمترین آنها بوده است. در ذیل با توجه به این چالش های عصری و تاریخی می توان راهکارهای علمی و عملی را ارائه نمود که به برخی از مهمترین راهکارها اشاره می شود.

۹- راهکارهای علمی و عملی برای تقریب مذاهب اسلامی؛

- ۱) تعامل و تشکیل جلسات دوره ای برای شناخت از هم دیگر.
- ۲) ایجاد موسسات فکری، مشورتی و کاری.
- ۳) تدوین منبعی از روایات مورد اتفاق از فریقین.
- ۴) مسافرت و دید و باز دید از کتابخانه ها و مراکز فرهنگی و دیدار با علماء دو طرف.
- ۵) پذیرش دانشجو از طرفین و ایجاد دانشگاه با متون مصوب دو طرف.
- ۶) اصلاح قوانین اساسی، مدنی، جزایی و مانند آن از طرفین که حقوق دیگر مذهب در آن نیامده است.
- ۷) اصلاح ادبیات گفتاری از علماء در سخنرانی ها و رسانه ها و منابع چاپی نسبت به رهبران مذهبی دیگری؛ برخی از ادبیات سبک و غیر علمی و غیر مسولانه استفاده می کنند.
- ۸) ایجاد شبکه ای تلویزیونی مشترک و همچنین و پایگاه های در فضای مجازی تا

دربرابر دروغ‌های استعمار و تندروها یک مرکز سالم و پاسخگو موجود باشد.

۹) جمع‌آوری منابع اختلاف برانگیز و نظارت بر آن‌ها. راهکارهای علمی اغلب از ناحیه رهبران مذهبی و راهکارهای عملی اغلب از طرف رهبران سیاسی امکان‌پذیر است چنانچه برخی از راهکارها در جمهوری اسلامی نهادینه شده است از قبیل هفته وحدت و تشکیل گردهمایی بزرگ با حضور کارشناسان و نخبگان از کشورهای اسلامی.

۱۰- جمع‌بندی

بنابر آنچه ذکر شد به این نتیجه می‌رسیم که رسالت علماء اسلامی و رهبران فرهیخته کشورهای اسلامی و به خصوص انقلاب جمهوری اسلامی ایران و رهبر خردمند و دانشمند جمهوری اسلامی، رسالت مهمی برای وحدت امت اسلامی و تقریب دیدگاهها، حول محور دین محمدی دارند؛ به دلیل نقش اثباتی و سلبی نخبگان است که که قرآن کریم عالمان عامل را تمجید و عالمان غیر عامل را نکوهش کرده است (حکیمی، هویت صنفی روحانیت، ص ۱۰۷). کافی است برای مطالعه این مسئله به منبع الحیاء، باب خصایص علماء صالح و فاسد مراجعه شود.

به عنوان نمونه برخی از آیات مربوطه اشاره می‌شود: بقره: ۸۵ و ۴۴ و ۱۷۴ و ۲۱۳؛ آل عمران: ۸۷؛ نساء: ۵۱ و ۵۲؛ اعراف: ۱۷۵ و ۱۷۶؛ توبه: ۳۴؛ کهف: ۲۸. در این مقاله استدلال شد که مشترکات دو مذهب شیعه و سنی زیاد است و تقریب مذاهب نیز به معنای درک مشترکات و موارد اختلافی، و فعالیت حول محور مشترکات است. چنانچه یادآوری گردید اغلب اختلافات نیز در اثر اجتهاد است که یک امر طبیعی و روش‌شناسانه در همه علوم است.

به علاوه موارد اختلافی محدود؛ نیز مربوط به اصل دین نیست تا اظهار نظر در آن و یا مخالفت در آن سبب خروج از دین گردد. از آنجاکه مهمترین متن مورد اتفاق فریقین، قرآن کریم است؛ آیات از آن استدلال شد و اهمیت وحدت و پیامدهای اختلاف از زبان قرآن تبیین گردید و قرآن کریم، همه مسلمانان و بلکه همه ادیان و بالاتر همه انسان‌ها را به وحدت و همگرایی فرا می‌خواند؛ زیرا در سایه وحدت زندگی خوشتری خواهند داشت.

نبی مکرم اسلام ﷺ بزرگترین محور وحدت است که همه فرق مسلمان ایشان را قبول دارند؛ از این رو به سفارشات وی و سیره رسول خدا ﷺ در تبیین وحدت اشاره گردید. و از این که برخی



مسئله خلافت خلفاء و جانشینی حضرت علی (ع) را مستمسک اختلاف قرار داده اند در این نوشته به اهمیت اتحاد و همگرایی مذاهب، به نهج البلاغه و گفتار و سیره ایشان استناد گردید. عقلانیت و خرد انسانی نیز همه را به وحدت فرا می خواند؛ زیرا آن سبب عزت، اقتدار، خیر و برکت است. در ادامه برخی از مهمترین عوامل چالش و نفاق بین فریقین ذکر شد و به برخی از شاخص ترین راهکارها نیز اشاره گردید. نتیجه کلی این شد که ارائه راهکار علمی در توان عالمان و مراجع و بزرگان دو فرقه است و لی راهکارهای فرمانطقه‌ای و کلان و سیاسی به عهده رهبران خردمند کشورهای اسلامی است به خصوص نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری عالمانه‌ای حضرت آیت الله خامنه‌ای (زیدعزه). در ذیل با چند نمونه از اشعار دانشمندان و شاعران درد مند اسلامی در این رابط، مقاله را به پایان می بریم:

۱- شهید بلخی:

اتفاق ای اتفاق ای اتفاق	در حیاتم گر نشد بعد از ممات
چاره بر پیکر فرسود شرق	روح بلخی را نما خشنود شرق
ای مسلمانان درگذر از فکر تبعیض نژاد	کاین تعصب‌های خشک عزت مسلمان شکست
ای مسلمان از جهالت جنگ مذهب داشتی	در نژاد و در زبان هم حال پیدا می کنی
نزاع مذهب و جنگ و نژاد می نگریم	چه ابتلاست که در هر بلاد می نگریم
نزاع شیعه و سنی کساد می نگریم	تورا به خود زه چه بی اعتماد می نگریم

۲- محمدحسین شهریار:

آدمیان شاخه و برگ همند	کین همه از یک تنه‌ی آدمند
اصل درختی است کهن کز بهشت	گند خداوند در این دشت کشت
آدمیان زنده به همدیگر اند	دست و دل و دیده و پاه و سراند
برتری نیست کسی را به کس	برتری از آن خدا دان و بس

۳- علامه اقبال لاهوری

نه افغان و نه ترک و نه تتاریم	چمن زاریم و ازیک شاخساریم
تمیز رنگ و بو برما حرام است	که ما پرورده ای یک کردگاریم

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. اردوش، محمد حسین امیر، تأملی برمسأله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز، باتکیه بر جنبش اتحاد اسلام، تهران: نشر مجمع تقریب مذاهب اسلامی، چ اول، ۱۳۸۴.
۲. آملی، جوادی، انتظار بشر از دین، قم: نشر اسراء، چ سوم، ۱۳۸۴.
۳. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، موسسه امام صادق (علیه السلام)، چ یازدهم، ۱۳۷۹.
۴. حکیمی، محمد رضا، بیدارگران اقلیم قبله، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۲.
۵. حکیمی، محمد رضا، هویت صنفی روحانیت، دفتر نشر فرهنگ، ۱۳۶۰.
۶. ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، نشر مرکز جهانی علوم اسلامی، چ دوم، ۱۳۸۱.
۷. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قاهره، دار الکتب المصریه، ۱۳۶۴؛ تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۸. غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، مرکز نشر انقلاب، ۱۳۶۶.
۹. کاتب، فیض محمد، سراج التواریخ، ج ۳، قسمت دوم، صدر، ۱۳۷۰.
۱۰. کلینی، ابی جعفر بن یعقوب، اصول کافی، ج اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. گلی زواره، غلام رضا، شناخت کشورهای اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چ چهارم، بیروت: موسسه الوفاء.
۱۳. یزدانی، حسین علی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، نشر صحافی احسانی، قم: چ اول، ۱۳۷۳.
۱۴. یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: چ اول، ۱۳۸۰.
۱۵. نرم افزار نور (جامع التفاسیر و جامع الاحادیث).
۱۶. ادرس انترنتی: www.orvah.com.